

در مردادماه سرانجام پس از دوازده سال کتاب «تاریخ فکر» اثر دکتر فریدون آدمیت توسط انتشارات روشنگران منتشر شد. کتاب در شش فصل تألیف شده است. و تحلیلی است از تاریخ فکر از جامعه سومر تا یونان و روم. نظر به اهمیت مباحث کتاب مقدمه دکتر فریدون آدمیت را عیناً در این شماره نقل می‌کنیم تا در شماره‌های آینده فرصت بررسی این کتاب ارزشمند را بیابیم.

این اثر شامل گفتارهایی است در تاریخ فکر: نخستین بنیاد شهرهای آزاد، اندیشه اجتماعی و سیاسی، قانون کنستی توسیون، جنبش عقلی و طبیعی، انتقاد عقل تاریخی - مجموعاً در محدوده مشخص تاریخی: از سومر تا کثرت و خطی و کارتاژ و ایونی و یونان و روم. بر روی هم مبحثی است در حرکت فکر و مدنیت و فلسفه حکومت. در این مقولات و درباره دیگر موضوع‌های این مبحث وسیع - مقالات و رسالات تخصصی فراوان نوشته شده با نظرگاه‌های گوناگون. تحقیقات جدید خاصه در چهل پنجاه سال اخیر، آرای پیشینیان را در سیر دانش و فکر و ماهیت بنیادهای سیاسی جامعه‌های کهن دگرگون کرده است. توجه من هم در درجه اول معطوف به مطالعات تازه و آرای نو است.

در سنت مورخان غربی (که هنوز هم تا حد زیادی اما نه به اطلاق امتداد دارد) تاریخ تفکر اجتماعی و سیاسی با این مفروضات آغاز می‌شود: پایه سیاست عقلی را یونان بنیان نهاد؛ شهرهای آزاد و مستقل بنیاد یونانی بود؛ کنستی توسیون «اختراع» اسپارت بود؛ دموکراسی «ابتکار» آتن بود؛ مفهوم «عدالت» و «آزادی» و «قانون» را مدیون یونانیان هستیم؛ و ثنوری سیاسی با یونان آغاز گردید. آن معانی متفرع بر کلیات دیگری بود از این قبیل: «طلوع تمدن اروپایی» در جزیره کرت بود؛ «ضمیر هشیار اروپایی» زاده فرهنگ یونان بود؛ «پدران» فلسفه و تاریخ و جغرافیا هم یونانی بودند؛ و بالاخره «تمدن یونان معجزه» بود و «عظمت از آن یونان»

# تاریخ فکر

از سوما یونان و روم

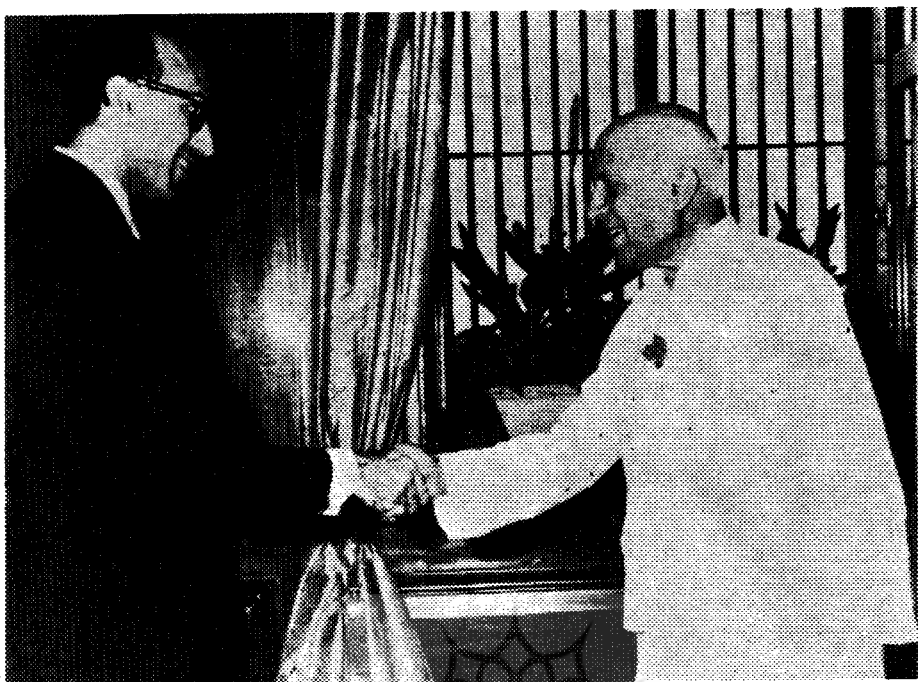
فریدون آدیبت

بود. این سلسله مفروضات که رشته‌اش تمامی نداشت و تقریباً همه رشته‌های دانش و فکر و هنر را در بر می‌گرفت - مدت‌ها بلامعارض بودند و مؤلفان با قوت از آنها دفاع می‌کردند. آن مانوسات جزمی را مطالعات تازه در هم فرو ریخته‌اند. مورخ متفکر فرانسوی لویی گارنه<sup>۱</sup> در آخرین اثر درخشان خود به‌عنوان «یونانیان بدون معجزه»، که شهرت عمومی یافته، کزافه‌گویی‌های راجع به یونان و «ابدألیزه کردن» هلنیسم را یکسره طرد کرد. وصف‌هایی چون «ژنی یونانی»، «اعجاز یونانی»، «عقل یونانی» و «عظمت یونانی» جملگی در شمار «خرافات» تاریخ‌نویسی سده نوزدهم درآمده‌اند. یکی از نقادان انگلیسی در مقاله علمی «عظمت از قماش یونانی» می‌نویسد: تصور ما را درباره فرهنگ یونان تا همین اواخر «کلیشه‌های یاوه‌ای» می‌ساخت. «اساطیر زرین» همچون اعتدال و عدالت یونانی افسانه است؛ سیاست آتن چیزی نبود مگر «پیکار داخلی کثیفی زیر نقاب ایدالیسم اخلاقی»؛ شعار «حقیقت و جمال» که ورد زبان فیلسوفان آتنی بود عاری از حقیقت بود و علم را دو هزار سال به عقب انداخت. او گزنده‌ترین الفاظ را هم نثار سقراط کرده، سقراطی که در همه چیز مداخله می‌کرد، همه چیز را به مسخره می‌گرفت، و همه چیز را به هم می‌آلاید. (اشاره‌اش به سقراط افلاطونی در «محوارات» افلاطون است که هیچ بحث و گفت و شنودی به نتیجه نمی‌رسد). «زمان آن رسیده که تصورات گذشته را

که بدون انتقاد پذیرفته، به صورت معتقدات جزمی آمیخته با ستایش چاپلوسانه [از آتن] در آورده اند کنار بگذاریم... و به سنجش حقیقی نوی برآییم.<sup>۲</sup>

در همان جهت انتقاد عمومی، متفکر عالیقدر هاکسلی<sup>۳</sup> در «جامعه باستانی و بنیادهای آن» (که مجموعه هجده مقاله به قلم خبرگان فرهنگ یونان و روم است) گوید: «ما در این نسل پی بردیم که حیات قدیم یونان را نباید آمیزه‌ای سربسر از عقل و روشنایی پنداشت». موضوع تصنیف دادس<sup>۴</sup> «یونانیان: اصحاب ضد عقل» همین است. او بازمی‌نماید که سیره فکری جامعه یونانی، تنیده در اوهام و خرافه پرستی خلاف عقل بود. کرک<sup>۵</sup> استاد ادب و تاریخ کلاسیک می‌نویسد: مبالغه‌نویسی‌های گذشته سبب گشته که بسیاری از اهل دانش و فکر معاصر، تحقیق در فرهنگ یونان را از اصل «بیهوده» بدانند؛ در واقع، انتقادهای جدید مداحان پیشین یونان را «در گور» از این رو به آن رو کرده است.

دیگر جنبه تحقیقات جدید که شناخت ما را از جامعه‌های باستانی دگرگون کرده، مطالعه در فرهنگ‌های کهن سومر و بابل و کرت و خطی و فنیقی و مصر است. تحقیقات بدیع - خط سیر و نشر مدنیت‌های مشرقی را به منطقه مدیترانه، مبدأ و منبع فرهنگ بعدی یونان را مشخص کرده است. قریب شصت سال پیش ادوارد شیرا نوشت: «با مطالعه تطبیقی پی می‌بریم که بیشتر خدمات یونانیان به تمدن انسانی، ابداع و ابتکار ایشان نبوده است. بلکه در هر چه از دیگران آموختند، به سلیقه و احتیاج خویش تصرف کردند و آنرا به سوی ترقی بردند». او به تأمل علمی خاطر نشان کرد: پیش از آنکه درباره نفوذ فرهنگ سومریان در «اساطیر و افسانه‌ها و حتی افکار فلسفی» یونان قاطعانه حکم کنیم، شایسته است که متون کشف شده تکمیل گردند و فهرست تطبیقی مضبوطی فراهم نماییم. او تردیدی نداشت که حاصل چنین تحقیقی مایه «شگفتی و اعجاب» خواهد بود؛ و طولی نخواهد کشید که محققان آرای گذشته را کنار بگذارند، و در تاریخ مدنیت جهان و یونان فصول تازه‌ای بنویسند. از زمانی که ادوارد شیرا آن سخنان اندیشیده را نوشت، معرفت تاریخی در مباحث مختلف جهان باستان بس گسترش یافته است. و در این باب مدیون برخی باستان‌شناسان عالیقدر هستیم. یکی از بلندپایه‌ترین ایشان گوردن چایلد در تصنیف معتبرش به عنوان «جامعه اروپایی پیش از تاریخ»، این قضیه تاریخی را شکافته که «روشنی افکنندن بر بارباریسم اروپایی به وسیله مدنیت مشرقی» - جریان تاریخی مشخصی بود که با تمدن کرت آغاز گشت. او در اثر دیگرش «در تاریخ چه وقوع یافت» به طعنه گفت: هیچ لازم نیفتاده که یونانیان «پایه‌های فنون» علوم، اقتصاد و هنر کلاسیک را معجزه‌آسا بیافرینند.<sup>۶</sup> کل آن تحول بلکه دگرگونی در نگرش تاریخی ما زاده علم است که درنگ ندارد، و پایه‌اش بر



○ دکتر فریدون آدمیت و جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر هند در اواسط اردیبهشت ۱۳۴۲ (دهلی نو).

انتقاد عقلی است. هر ترقی که در قلمرو فکر و دانش و فن و هنر نصیب انسان گشته باشد، از به کار بستن همین روش بوده که منطقی آن حقیقت‌جویی و روشنگری است. و همه آن انتقادهای در جهت تصحیح غلط‌اندیشی‌های گذشته است؛ ورنه یونان در تاریخ فکر از مقام بلندی برخوردار است، ضمن آنکه هنر انتقاد کزی‌ها و کاستی‌های آن‌را به روشنی می‌نمایاند.

این رساله بر پایه یادداشت‌هایی نوشته شده که به سالیان گذشته و به تفاریق به‌مآخذ برخی از جدیدترین تحقیقات گرد آورده‌ام. اما هیچ اثری را سراغ ندارم که مجموع این مقولات را به‌طور مضبوط و در یک امتداد تاریخی، مورد غوررسی و انتقاد علمی قرار داده باشد. باید دانست که حتی ماهیت نظام سیاسی نخستین دولت‌شهرهایی که تاریخ می‌شناسد، همچون کنستی‌توسيون‌های پیش از دوران یونان و روم (که در نظریه سیاسی و قانون کنستی‌توسيون‌های بعدی نفوذ بسزایی داشته) هنوز به تاریخ عمومی اندیشه‌های سیاسی و کتاب‌های دانشگاهی راه نیافته‌اند. گویی از اصل چنین بنیادهایی به کار نبوده‌اند. این راه و رسم کهنه مورخان و مفسران فلسفه اجتماعی و سیاسی را کنار گذاردم، و کوشیده‌ام که در حد امکان منبع اندیشه‌ها و تحول آن‌را به هر دوره تاریخی بازنمایم، موضوعی که یکی از ظریف‌ترین مسائل تاریخ فکر است.

اینجا هم وظیفه اخلاقی خود می‌دانم که از محمود محمود یاد کنم؛ او که از معتقدان اصالت عقل بود، از آزادگان بود و به روشنسرای خرد تنها آموزگار هموطنم بود. بخش اول این اثر پیش

از ده سال پیش در «کتاب چراغ» (مهرماه ۱۳۶۳) انتشار یافت. پس از گذشت ده سال دو بخش دیگر آن در نشریه «کَلک» منتشر شد. مگر حرکت فکر کند است، مگر بحث عقل آمدنیامد دارد. در این میانه فصل تازه‌ای بر آن افزودم و نکته‌هایی بر چند گفتار دیگر. از همکاری دوست دانشور و هنرمند گرانمایه دکتر سیما کوبان سپاسگزارم؛ بدون یاری او شاید این اثر پایان نمی‌پذیرفت.



### خواننده گرامی، مشترک عزیز

مخارج سنگین مجله فقط از محل تکفروشی و حق اشتراک و یاری شما خوانندگان و مشترکان تأمین می‌شود. شما خوانندگان عزیز و غیرتمند برای ادامه حیات «کَلک» استمداد می‌کنیم. همت کنید تا نشریه‌ای که مورد پسند شما است به تعطیلی و خاموشی گرفتار نشود.

کَلک انتظار دارد در صورتی که آن را می‌پسندید و ماندگاری آن را برای فرهنگ و زبان فارسی مفید می‌دانید ما را یاری دهید.

همانطور که بارها نوشته‌ایم، در صورت ازدیاد تعداد مشترکان، مجله دوام می‌یابد و به‌راه فرهنگی خود ادامه می‌دهد.

کَلک مرهون محبت کسانی است که تاکنون بی‌درخواست ما مشترکانی معرفی کرده‌اند.